

The Manifestation of Palestinian Resistance in the Poetry of Iqbal Lahori and Hossein Israfili

Aghileh Reza¹, Atefeh Khodayi²

1. Graduate School of Literature and Humanities, Bent al-Hoda Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Department of Persian Language and Literature, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

The Palestinian issue is one of the most important issues in the Islamic world that Muslims have always paid attention to. In the meantime, poets, as one of the influential groups on culture and society, have addressed this issue in their poems. Native Palestinian poets as well as poets from other countries and in different languages have written poems in their own language and pen in line with the resistance of the Palestinian nation and have raised the cry of struggle against the usurping Zionist regime in the path of independence and freedom of the Islamic land, and have made this manifest in their poems. The present study uses a descriptive-analytical method to study and examine the manifestations of resistance and the ideal of Palestine in the poems of "Iqbal Lahori" and "Hossein Israfili". The findings of the study indicate that these poets, with Palestine as their center, have addressed themes such as the unity of the nation and the concept of the Islamic homeland, the connection of resistance with religious and historical concepts, the description of the occupation and the crimes of the enemy, sacrifice and martyrdom, and the hope for the freedom and victory of Palestine.

Keywords: Palestine, Jerusalem, Resistance, Resistance Poetry, Iqbal Lahori, Hossein Israfili.

¹ Email: aghileh.reza@yahoo.com.

² Email: A.khodayi@mou.ir.

تجلی مقاومت فلسطین در شعر اقبال لاهوری و حسین اسرافیلی

عقیله رضا^۱، عاطفه خدایی^۲

۱. مدرسه عالی ادبیات و علوم انسانی، موسسه آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

چکیده

مسئله فلسطین، از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام است که همواره مسلمانان بدان توجه داشته‌اند. در این میان شاعران به‌عنوان یکی از تاثیرگذاران اقشار بر فرهنگ و جامعه در اشعار خود به این مسئله پرداخته‌اند. شاعران بومی فلسطین و نیز شاعرانی از دیگر کشورها و به زبان‌های مختلف با زبان و قلم خود در راستای مقاومت ملت فلسطین شعر سروده‌اند و در مسیر استقلال و آزادی سرزمین اسلامی فریاد مبارزه بر علیه رژیم غاصب صهیونیستی برآورده، این امر را در سروده‌های خود متجلی ساخته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه و بررسی جلوه‌های مقاومت و آرمان فلسطین در اشعار "اقبال لاهوری" و "حسین اسرافیلی" می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است این شاعران در اشعار خود با محوریت فلسطین به مضامینی همچون وحدت امت و تصور وطن اسلامی، پیوند مقاومت با مفاهیم دینی و تاریخی، توصیف اشغالگری و جنایت‌های دشمن، ایثار و شهادت و امید به آزادی و پیروزی فلسطین پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فلسطین، قدس، مقاومت، شعر مقاومت، اقبال لاهوری، حسین اسرافیلی.

¹ Email: aghileh.reza@yahoo.com.

² Email: a.khodayi@mou.ir

۱. مقدمه

«پایداری از واقعیت‌های مهم زندگی بشر و محصول همدلی قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است که جنگ نامیده می‌شود. جنگ، ادامه شیوه‌ای از سیاست استعماری و عملی خشنوت‌آمیز است که هدفش وادار کردن طرف مقابل (حریف) به اجرای خواسته‌های خود است؛ بنابراین، مفهوم جنگ در عمل رودرویی سازمان یافته دو یا چند دولت بر سر اهداف از پیش تعیین شده است.» (تندرو، ۱۳۸۲: ۱۶)

ادبیات از آنجا که بر دل و روح انسان موثر است و به آسانی مورد توجه قرار می‌گیرد، از موضوعاتی است که دشمن در جنگ نرم علیه دیگر کشورها بدان توجه می‌کند. در مقابل، همین ادبیات با ظرفیت فوق‌العاده‌ای که دارد می‌تواند باعث بیداری، پایداری و مقاومت در برابر دشمن تجاوزگر شده، رهایی ملت‌ها و کشورها را از چنگال دژخیمان داخلی و خارجی را نوید دهد.

از حوزه‌های مهم مطالعاتی در عرصه ادبیات، حوزه ادبیات تطبیقی است که در دوران معاصر نیز با توجه به گسترش روابط میان ملت‌ها، تعمیق بیشتری یافته و اهمیت آن بیش از پیش روشن شده است. ادبیات تطبیقی در واقع حوزه‌ای از مطالعات ادبی است که با در کنار هم قرار دادن ادبیات زبان‌ها و ملت‌های مختلف، به بررسی، تجزیه و تحلیل روابط بین آن‌ها می‌پردازد. از موضوعات مهمی در بررسی‌های تطبیقی ادبی که از اهمیت خاصی نیز برخوردار است، بررسی مضامین مشترک در شعر دو شاعر از دو فرهنگ متفاوت است.

«حادثه‌های بزرگ و رویدادهایی که بازتاب و تاثیر ژرف و عمیق در زندگی و تاریخ جوامع انسانی دارند، همراه با خود، فرهنگ، ادبیات، هنر و چشم اندازهایی تازه می‌آورند که هر چند وجود مشترک و همخوان با حادثه‌های مشابه در تاریخ آن سرزمین یا دیگر جوامع را دارند، اما دارای ابعاد مشترک یا متفاوت نیز هستند، که از نگاه نکته‌یاب نقادان و پژوهشگران دور نمی‌ماند.» (سنگری، ۱۳۸۰: ۹۹)

موضوع اشغال فلسطین و مقاومت مردم مظلوم آن در برابر رژیم غاصب و سفاک صهیونی، اصلی‌ترین موضوع در ادبیات فلسطین و مسلمانان است. قدمت شعر فلسطین به اندازه تاریخ اتفاقات سیاسی و اجتماعی این سرزمین است و شاعران در این زمینه نقش مهمی داشته و به تحولات اجتماعی و ظلمی که به مردم این سرزمین رفته است، واکنش نشان داده‌اند.

شاعران مسلمان با احساس تعهد نسبت به آرمان فلسطین که درد مشترک امت اسلامی است به ابعاد مختلف این موضوع در اشعار خود پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی تطبیقی نگاه و شیوه بیان اشعار "اقبال لاهوری" و "حسین اسرافیلی"، به بیان وجوه مورد اشاره این دو شاعر در موضوع مقاومت فلسطین می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که این دو

شاعر متعهد در اشعار خود به مضامینی همچون وحدت امت و تصور وطن اسلامی، پیوند مقاومت با مفاهیم دینی و تاریخی، توصیف اشغالگری و جنایت‌های دشمن، ایثار و شهادت و امید به آزادی و پیروزی فلسطین پرداخته‌اند.

۲. معرفی شعرا

۲-۱. اقبال لاهوری

"محمد اقبال لاهوری" در ۹ نوامبر ۱۸۷۷ میلادی (۱۹ آبان ۱۲۵۶ شمسی) در شهر سیالکوت ایالت پنجاب هند (پاکستان فعلی)، در محله کشمیری‌ها و در یک خانواده مسلمان به دنیا آمد. (احمدپور، ۱۳۸۳، ج ۱: ۷۹) پدرش شیخ نورمحمد، پیشه دوزندگی داشت، اهل سلوک و با شعر و ادب عرفانی آشنا بود. (کامران مقدم، ۱۳۷۲، ج ۱: ۸۵)

اقبال زبان‌های فارسی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت و با علوم اسلامی و معارف قرآنی آشنا شد. او در دبیرستان مبلغان مسیحی اسکاتلندی درس خواند. اقبال در دانشگاه لاهور کارشناسی زبان انگلیسی و کارشناسی ارشد فلسفه را دریافت کرد. او هم‌زمان به مطالعه اصول علم اقتصاد و حقوق نیز اشتغال داشت. اقبال از پایان‌نامه دکترای خود با موضوع «رشد مابعد الطبیعه در ایران» در دانشگاه کمبریج دفاع کرد. وی سپس در آلمان، درجه استادی فلسفه را گرفت و در سال ۱۹۰۸ م به هند برگشت و مشغول تدریس و وکالت شد. (همان: ۱۹۹) "اقبال لاهوری" پیرو اهل سنت بود و به اهل بیت پیامبر نیز ارادت داشت. او در ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ م (۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ ش) در اثر بیماری، درگذشت و در کنار پله‌های در ورودی مسجد پادشاهی لاهور به خاک سپرده شد. (جاوید، ۲۰۰۰، ۷۹۷)

اقبال، اشعار فارسی بسیاری سروده که در «زبور عجم» و «پیام مشرق» چاپ شده است. شهید مطهری براین باور است که اقبال از هر وسیله خوب و مشروعی برای هدف خودش استفاده کرده است که یکی از آنها شعر است. به اعتقاد وی در شاعران فارسی زبان، بخصوص در عصرهای متأخر شاعری مانند اقبال نیست. (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۴۳)

"اقبال لاهوری" تألیفات فراوانی به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی دارد. کتاب‌های مثنوی اسرار، خودی مثنوی، رموز بی‌خودی، زبور عجم، پیام مشرق، جاویدنامه، پس چه باید کرد ای اقوام شرق، مثنوی مسافر و ارمغان حجاز از جمله آثار اقبال لاهوری به زبان فارسی و دیوان‌های ارمغان حجاز، بانگ درا، بال جبریل و ضرب کلیم و دو کتاب علم اقتصاد و تاریخ هند نیز به زبان اردو است. آثار اقبال به زبان انگلیسی عبارتند از: «سیر فلسفه در ایران»، «احیای افکار دین در اسلام»، «خلافت اسلامی» و «نگاهی به جامعه اسلامی». (اقبال لاهوری، ۱۳۶۶: ۱۵)

مقام معظم رهبری در نخستین کنگره‌ی بین‌المللی بزرگداشت علامه اقبال لاهوری که به مناسبت یکصد و هشتمین سالگرد تولّد وی در دانشگاه تهران برگزار شد، جمهوری اسلامی را تجسّم آرمان اقبال می‌داند و می‌فرماید: «اقبال یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام است؛ یک شخصیت عمیق و متعالی که نمی‌توان روی یکی از خصوصیات او و ابعاد زندگی او تکیه کرد و او را به آن بُعد و به آن خصوصیت ستود. اقبال بی‌شک یک شاعر بزرگ و از بزرگان شعر به حساب می‌آید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در کنگره بزرگداشت اقبال لاهوری، ۱۳۶۴/۱۲/۱۹) ایشان شعر پارسی اقبال را از ظریف‌ترین و دقیق‌ترین و دست‌نیافتنی‌ترین مضامین ذهنی برای شاعری می‌دانند که غیر پارسی‌گوی است.

۲-۲. حسین اسرافیلی

"حسین اسرافیلی" نویسنده و شاعر بنام در سال ۱۳۳۱ در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در مراغه و تحصیلات تکمیلی را در تهران گذراند و کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت. وی غیر از سرودن شعر به خطاطی، نقاشی و مجسمه‌سازی نیز علاقه دارد.

"اسرافیلی" فعالیت‌های شعری خود را از سال ۵۴ آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اولین افراد تشکیل‌دهنده حوزه هنری بود و در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ مسئولیت صفحه ادبی مجله پیام انقلاب را به عهده داشت و عضو شورای شعر و موسیقی صدا و سیما و شورای شعر نیروهای مسلح بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس است.

معروف‌ترین مجموعه شعر او "تولد در میدان" است که بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس آن را به‌عنوان یکی از آثار برتر شعر دفاع مقدس در دهه ۶۰ برگزید. "آتش در خیمه‌ها"، "مجموعه شعر عاشورایی"، "عبور از صاعقه"، "گزیده ادبیات معاصر شماره ۵"، "مردان آتش نهاد"، "آتش در گلو"، "آیین‌های شعله‌ور" از سروده‌های اوست.

کتابی دیگر نیز با نام "حیات خلوت کلمات" از این شاعر است. مقالات ادبی و فرهنگی موجود در کتاب «حیات خلوت کلمات» در موضوعات شعر و نقد ادبی تاکنون در نشریات مختلف به چاپ رسیده است و نویسنده برای نخستین بار این مقالات را که شامل ۲۵ تا ۳۰ مقاله است در یک مجموعه منسجم گردآوری کرده است.

مجموعه شعر «تشنه در باران زخم» شامل ۲۰۰ قطعه شعر عاشورایی و آئینی نیز مجموعه اشعار چاپ شده یا چاپ نشده عاشورایی وی در قالب‌های نو و کلاسیک با رویکردی نو و نگاه‌های جدید است که با زبانی نو و ساده، مضامین و مفاهیم پایداری و مذهبی را بیان شده است. اسرافیلی سابقه همکاری با موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در زمینه حضور در شب‌های شعر "خورشید ولایت" و "نغمه بهار" را دارد.

۳. مقاومت در شعر شعرا

مطالعه و بررسی اشعار این دو شاعر معاصر نشان‌دهنده آن است که آرمان آزادی و مقاومت اسلامی فلسطین در اشعار آن‌ها به روشنی دیده می‌شود. ایشان در اشعار خود به فلسطین به‌عنوان پاره تن اسلام پرداخته و آن را محور هنر شاعری خود قرار داده‌اند. در ادامه به بیان برخی از مهم‌ترین جلوه‌های مقاومت و آزادی فلسطین در اشعار این دو شاعر متعهد می‌پردازیم.

۱-۳. وحدت امت و تصور وطن اسلامی

عشق به وطن یکی از اصلی‌ترین مضامین شعری و از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز در پایداری در مقابل دشمن است. از مهم‌ترین نموده‌های این بعد، وصف وطن است که آن را می‌توان از نشانه‌های بیداری مردم مظلوم فلسطین در اشعار شاعران دانست؛ این مساله به‌ویژه در شعر شاعرانی که سرزمین‌شان در آتش جنگ سوخته، نمود بیشتری یافته است. البته باید توجه نمود وطن محدود به مرزهای جغرافیایی نبوده، بلکه فراتر از آن دربرگیرنده وطن اعتقادی و مذهبی یعنی وطن اسلامی است که همه مسلمانان با نژادهای مختلف را شامل می‌شود.

از نظر اقبال اسلام وابستگی به سرزمین و کشور خاص ندارد و مؤمنان را که از نژادهای متعارض با یکدیگر هستند، گرد هم جمع می‌کند. این تفکر وحدت‌گرا، فارغ از مرز جغرافیایی، در جای جای دیوان اقبال دیده می‌شود.

تو ای کودک منش خود را ادب کن مسلمان زاده‌ای ترک نسب کن
برنگ احمر و خون و رگ و پوست عرب نازد اگر، ترک عرب کن
(لاهوری، ۱۹۷۱م، بخش ۸۳)

او در جای دیگری می‌گوید:

نه افغانیم و نی ترک و تتاریم چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است که ما پرورده یک نو بهاریم
(همان، بخش ۸۴)

"اقبال لاهوری" در این ابیات به پیوند انسانی و مشترکات فرهنگی و وحدت و یکپارچگی مسلمانان اشاره دارد. او همه مسلمانان را نشأت گرفته از یک سرزمین می‌داند که همه آنان از یک بهار و یک درخت زاده شده‌اند. پایه و اساس اندیشه اقبال این است که اسلام نه‌ایت مکانی ندارد و مسلمانان چون گل صد برگ، ظاهراً متفاوت اما از یک جامعه هستند:

چون گل صد برگ ما را بو یک‌کیست اوست جان این نظام و او یک‌کیست
(همان، اسرار خودی، بخش ۵)

اقبال هویت واقعی مسلمانان را محدود به مرزها و قومیت‌ها نمی‌داند و آشکارا ابراز می‌دارد که دل انسان مؤمن باید برای فراتر از مرزهای قومی و بالاتر از تمام تعلقات مادی و دنیوی بتپد. در مقابل در اندیشه اقبال لاهوری، ملی‌گرایی از جمله مفاهیمی است که غریبان و استعمارگران در میان ملل شرقی به خصوص مسلمانان رواج دادند. (اقبال، ۱۳۷۲: ۵۶) او ملی‌گرایی یا قومیت‌محوری را عامل و محوری و پررنگ تفرقه میان مسلمانان می‌داند. چنانچه می‌گوید:

لرد مغرب آن سراپا مکر و فن اهل دین را داد تعلیم وطن
او بفکر مرکز و تو در نفاق بگذر از شام و فلسطین و عراق
تو اگر داری تمیز خوب و زشت دل نبندی با کلوخ و سنگ و خشت
چیست دین‌برخاستن از روی خاک تا ز خود آگاه گردد جان پاک
می‌نگنجد آنکه گفت الله هو در حدود این نظام چار سو
(همان، جاویدنامه، بخش ۱۹)

شاعر در ابیاتی دیگر با اشاره به آموزه‌های سراپا مکر و فریب غرب سفارش می‌کند که انسان نباید تنها به جسم و خاک خود محدود شود و باید به بُعد روحانی و اخلاقی خود نظر کند. او با کنایه‌ای به ملیت‌ها و اقوام مختلف به اهمیت درک رابطه‌ای عمیق‌تر میان انسان‌ها فرامی‌خواند و بر این نکته تأکید دارد که انسان باید از محدودیت‌های جغرافیایی فراتر برود.

رشته وحدت چو قوم از دست داد صد گره بر روی کار ما فتاد
ما پریشان در جهان چون اختریم همدم و بیگانه از یکدیگریم
(همان، اسرار خودی، بخش ۲۰)

به بیان "اقبال لاهوری" اتحاد مسلمانان از روی نسبت نیست، بلکه رمز اتحاد مسلمانان، اسلام و وجود دوست‌داشتنی پیامبر گرامی اسلام است. او با بیان اینکه علت بدبختی مسلمانان محدود شدن مفهوم وطن به مکان است، راه پیروزی ایشان را ایجاد جامعه اسلامی می‌داند. اقبال لاهوری پیروزی و سعادت جامعه اسلامی را تنها در محور قرار دادن محبت و اعتقاد به پیامبر می‌داند که رهایی مسلمان از گمراهی است

نیست از روم و عرب پیوند ما دل نیست پابند نسب پیوند ما
بمحبوب حجازی بسته‌ایم زین جهت با یکدگر پیوسته‌ایم
رشته ما یک تولایش بست چشم ما را کیف صهبایش بس است
عشق‌ورزی از نسب باید گذشت هم ز ایران و عرب باید گذشت

امت او مثل او نور حق است هستی ما از وجودش مشتق است
(همان، رموز بیخودی، بخش ۳۰)
"حسین اسرافیلی" نیز همچون "اقبال لاهوری" در اشعار خود به لزوم وطن دوستی و یکپارچگی مسلمانان و حب وطن اشاره کرده:

وطنم از غم گل‌های جوان گریه نکرد سوخت و آب شد، از سوز نهان گریه نکرد
وطنم حادثه‌ها دید و چنان نخل رشید ریشه گسترده و از اندوه گران گریه نکرد
ماه‌هایش رمضان بود و به روزان و شبان خون دل خورد ولی از غم نان گریه نکرد
انتظار وطنم از گل نرگس زیباست که به شوق کهن، از داغ جوان گریه نکرد
(اسرافیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

وی در شعر دیگری با تلفیق اشعار عاشورایی و تاکید به حب وطن این‌گونه سروده است:
پاکباز عشق را شور و شراری دیگر است نوح این دریا نگاهش بر کناری دیگر است
گرد میدان را بشوی از باره خونین رکاب کین سوار عرصه را عزم دیاری دیگرست
کربلا دیدیم و در میدان تولد یافتیم گر به هم شهادتگاه ما معراج داری دیگر است
خاک افتاد سرداری درین میدان چه‌باک مرکب این سربداران را سواری دیگر است
(همان)

۲-۳. پیوند مقاومت با مفاهیم دینی و تاریخی

یکی از راه‌های تقویت مقاومت و بسط و گسترش آن در میان ملت‌های مسلمان، پیوند مفهوم مقاومت با مفاهیم اسلامی و استفاده از نمادهای اسلامی و اشارات و رموز دینی، اساطیری، تاریخی، تعبیرات قرآنی و کتب مقدس است. آمیختن حس میهن دوستی با نمادهای دینی و اسلامی، تاریخی و اسطوره‌ای به یک شگرد ادبی در شعر پایداری تبدیل شده است و شاعران با بهره‌گیری از آیات و روایات اسلامی و داستان‌های تاریخی و اسطوره‌ای به مفهوم مقاومت در ادبیات توسعه بخشیده‌اند. بهره‌گیری از این نمادها به نوعی اثبات حقانیت جبهه مقاومت اسلامی است و از این طریق پیروزی را بشارت می‌دهند. "اقبال لاهوری" نیز از این مفاهیم، نمادها و اشارات در اشعار خود بهره برده است و چنین سروده:

از خودی غافل نگردد مرد حر حفظ خود کن حب افیونش مخور
پیش فرعونان بگو حرف کلیم تا کند ضرب تو دریا را دو نیم
(اقبال لاهوری، ۱۳۷۰: ۴۰۵)

"حسین اسرافیلی" نیز در اشعار خود از مفاهیم دینی و اسلامی برای توسعه مفهوم مقاومت استفاده کرده است. بهره‌گیری از این مفاهیم نوعی اثبات حقانیت جبهه مقاومت اسلامی است از این طریق پیروزی را به مبارزان و فلسطینیان بشارت می‌دهد. او چنین می‌سراید: در قدس / آسمان بر گذشتگان نماز می‌خواند / و درختان به احترامشان سر خم می‌کنند و تنومند می‌ایستند / پیکر شهیدان در ازدحام جوانان تشییع می‌شوند. (اسرافیلی، ۱۳۸۹ الف: ۱۱۳)

و در جای دیگری، نهضت مقاومت را برگرفته از نهضت کربلا می‌داند و معتقد است نهضت امام حسین چون خونی در رگ‌های ملت مسلمان مظلوم می‌جوشد و آن‌ها را به حرکت وامی‌دارد. ما را بکشید. خانه‌های ما را آوار سازید / خودمان آواره و مسافریم و مهاجر / از کربلای دیروز تا عاشورا های فردا / شهادت راه آزادگان است / هنوز خون حسین می‌جوشد در رگ‌های نا پیدا و / قلب‌های مطمئن. (همان: ۱۲۱ و ۱۲۲)

۳-۳. توصیف اشغالگری و جنایت‌های دشمن

در شعر پایداری فلسطین و بیداری اسلامی در این سرزمین جنایت‌ها، تجاوزها، خشونت‌ها و تعدیات دشمن به‌طور کامل و به شکلی زیبا ترسیم شده تا ضمن تقویت محور مقاومت و تشویق رزمندگان به مبارزه با رژیم غاصب صهیونی و استکبار، زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه طلب برای جهانیان شناخته شده باشد.

"اقبال لاهوری" از حامیان سرسخت آرمان فلسطین بود و در ماه‌های آخر عمر خود در نامه‌ای به قائد اعظم محمد علی جناح نوشت که حتی حاضر است به‌خاطر تحقق این آرمان به زندان برود. او در شعر خود می‌گوید:

بے خاکِ فلسطین پہ یمودی کا اگر حق بسپانیه پر حق نہیں کیوں اہلِ عرب کا
(اقبال لاهوری، ۱۳۸۸: ۱۰۱) (ضرب کلیم)

در این شعر شاعر با مطالبه‌گری، نگاه غرب را درباره حق یهود بر سرزمین مقدس به چالش می‌کشد و با زیر سوال بردن آن، این‌گونه استدلال می‌کند که اگر یهود بر اساس اینکه روزی در سرزمین فلسطین زندگی می‌کردند، این سرزمین را متعلق به خود می‌دانند؛ بنابراین استدلال، اسپانیا نیز باید متعلق به اعراب و مسلمانان باشد؛ زیرا اسپانیا و اطراف آن نیز روزگاری در تصرف و اختیار مسلمانان و محل زندگی آنان بوده است.

از جنایت‌های دشمن صهیونیستی، سیاست یهودی سازی و ساخت شهرک‌های یهودی در اراضی فلسطینیان است. خطر یهودی سازی، نگرانی شاعران زیادی را برانگیخته است و در اشعار خود این خطر را به مسلمانان هشدار داده‌اند. (روزبھانی، ۱۳۸۹: ۵۹) اقبال لاهوری نیز در اشعار خود سعی

کرده است که چهره زشت اشغال را نشان بدهد و مردم را از کارهای پلید آن‌ها آگاه می‌کند. او با دعوت مسلمانان به بیداری و شناخت دشمن و توطئه‌های او به این نکته متوجه می‌سازد که غرب در پشت این چهره بزرگ کرده، حقیقتی زشت و خالی از زیبایی‌های حقیقی دارد که از هرگونه معرفت و جمالی تهی است.

پس چه باید کرد ای اقوام شرق باز روشن می‌شود ایام شرق؟
یورپ از شمشیر خود بسمل فتاد زیر گردون رسم لادینی نهاد
گرگی اندر پوستین بره‌ای هر زمان اندر کمین بره نی
مشکلات حضرت انسان ازوست آدمیت را غم پنهان ازوست
(اقبال لاهوری، ۱۳۷۰: ۴۰۹)

"اقبال" در این اشعار مسلمانان را که با تعبیر اقوام شرق از آنان یاد شده، دعوت به بصیرت و بیداری از خواب غفلت می‌کند. او نگران تأثیرات منفی فرهنگ غرب بر انسانیت و هویت مسلمانان است و به ظلم و فریب‌های فرهنگی و اجتماعی غرب و یهود اشاره می‌کند و با تأکید بر اهمیت علم و آگاهی معتقد است که علم باید به آن‌ها کمک کند تا از زنجیرهای نادانی رها شوند. "اقبال" از مشرق زمین و مسلمانان به عنوان منبع عشق، هنر و دین یاد می‌کند و بر لزوم حفظ هویت و اصالت خاور و ضرورت همبستگی و اتحاد مسلمانان و مردم شرق برای مقابله با چالش‌های دنیای مدرن تأکید دارد.

"حسین اسرافیلی" نیز در اشعار خود با توصیف اشغالگران صهیونیست با اوصافی چون شیطان، دشمن، تجاوزگر، نمرود، قاتل، طاغوت، روباه و... پرده از چهره زشت و کریه این جنایتکاران برداشته است. زیتون زاران فلسطین/ سایه بان اشغالگران نخواهد بود/ و درندگان گرسنه به اجساد مردگانتان/ پوزه خواهند مالید. (اسرافیلی، ۱۳۸۹ الف: ۷۷)

صهیونیست‌ها جنایتکاران شیک پوشی هستند که به تعبیر رهبر معظم انقلاب به ظاهر کت و شلوار پوشیده، کروات زده و ادکلن زده‌اند اما خوی وحشی‌گری و سلطه‌طلبی و ظلم جنایت و زیاده‌خواهی در باطن آنان است. (ر.ک به بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۱)

۴-۳. ایثار و شهادت

عنصر مبارزه با ظلم و تجاوز در تمام جوامع و فرهنگ‌ها امری مقدس و ضروری است و یکی از عناصر مهم در حفظ حیات حقیقی بشریت در طول تاریخ است. هر زمان که ظالم یا متجاوز از قدعلم کرده، مردانی غیور، فداکار در مقابلشان ایستاده و با ظلم و تجاوز مبارزه کرده‌اند یا در راه هدف والای خود کشته شده‌اند یا ظالم و متجاوز را سر جای خود نشانده‌اند.

ایثار و شهادت پررنگ‌ترین و با اهمیت‌ترین درون‌مایه در شعر معاصر فلسطین و از قداست بالایی برخوردار است. این قداست از قرآن کریم سرچشمه گرفته است، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ و هرگز گمان مکن آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند؛ بلکه آن‌ها زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (آل عمران/ ۱۶۹)

شهادت مرگی است انتخاب شده؛ مرگی که خود انسان به سویی آن می‌رود، نه آن که به سوی انسان بیاید و اهمیت و ارزش شهید و شهادت نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. (کارآمد و شمس آبادی، ۱۳۹۶: ص ۸۱) "اقبال لاهوری" با اوصافی مانند حیات از شهادت و مرگ در راه آرمان یاد می‌کند. هر زمان میرد غلام از بیم مرگ زندگی او را حرام از بیم مرگ بنده آزاد را شأنی دگر مرگ او را می‌دهد جانی دگر او خود اندیش است مرگ اندیش نیست مرگ آزادان ز آنی بیش نیست گرچه هر مرگ است بر مؤمن شکر مرگ پور مرتضی چیزی دگر جنگ شاهان جهان غارتگری است جنگ مؤمن سنت پیغمبری است جنگ مؤمن چیست؟ هجرت سوی دوست ترک عالم اختیار کوی دوست (اقبال لاهوری، ۱۳۷۰: ۳۷۲)

اقبال در این اشعار، مرگ را نه به‌عنوان یک حادثه ناگوار، بلکه به‌عنوان یک تغییر و حرکت به سوی حقیقت جدیدی می‌شناسد و زندگی حقیقی را در کشته شدن در راه آرمان و تسلیم و رضا نهفته می‌داند. در شعر "حسین اسرافیلی" نیز، شهادت دارای مفهومی اسلامی است که شهید با رسیدن به لقاءالله در حقیقت در راه هدف اصلی و حقیقی زندگی قدم برداشته است.

می‌برم منزل به منزل چوب دار خویش را تا کجا پایان دهم آغاز کار خویش را در طریق عاشقی از تیغ و تیرم بیم نیست میبرد بردوش خود منصور دارخویش را برنمی‌دارد نگاه از من جنون سینه‌سوز می‌شناسد چشم صیادم شکارخویش را (وطن امروز، ۱۴۰۲/۷/۲۶)

"اسرافیلی" در این سروده خود منزل به منزل چوب دار و آویختن خود را بر آن و در مسیر آن، با فریاد بلند آواز می‌دهد و در این راه از هیچ خطری نمی‌هراسد. او هم از زبان خود، هم از زبان حسین فهمیده که خود را زیر تانک دشمن انداخته و هم از طرف رزمندگان این حقیقت را فریاد می‌زند. این جمله مشهور امام خمینی درباره شهید حسین فهمیده هیچ‌گاه از خاطرات فراموش نمی‌شود که

فرمود: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.

۵-۳. امید به آزادی و پیروزی فلسطین

یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعات شعر مقاومت، بیداری و پایداری، ترسیم لحظات خوش پیروزی است که روحیه دلاوری، شجاعت و مقاومت را تقویت می‌کند و امید را برای ملت فلسطین به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل شعرای بسیاری برای زنده نگه داشتن امید از ابزارهای مختلفی بهره جستند. "اقبال لاهوری" در شعر خود از انسان‌ها می‌خواهد که برای رسیدن به تعالی روح و حقیقت وجودی انسان، خود را از قید و بندهای مادی رها کنند. او می‌گوید:

می‌نگنجد آنکه گفت الله هو / در حدود این نظام چار سو
گفت تن در شو بخاک رهگذر / گفت جان پهنای عالم را نگر
جان نگنجد در جهات ای هوشمند / مرد حر بیگانه از هر قید و بند
حر ز خاک تیره آید در خروش / زانکه از بازان نیاید کار موش
(اقبال لاهوری، ۱۳۷۰: ۳۰۴)

"اقبال لاهوری" در این ابیات، به عمق وجود انسان و آزادی روح اشاره می‌کند و می‌گوید که جان انسان در محدودیت‌ها و جهات مادی نمی‌گنجد و می‌تواند فراتر از محدودیت‌ها برود و به آزادی و آگاهی دست یابد. بنابراین انسان‌های آزاد و هوشمند از هر نوع قید و بندی رها هستند. در شعر "حسین اسرافیلی" امید به آزادی و پیروزی فلسطین موج می‌زند. او این‌گونه می‌سراید:

ترانه‌ها همچون ریشه‌های درختند / اگر در زمین بمیرند / در سرزمین‌های دیگر خواهند شگفت / اما
فلسطین جنگی است / از درختان انبوه و تناور / با گلزارهای بسیار / و لاله‌های فراوان / ما را از پرپر
شدن نترسانید / ما در پرپر شدن نیز جوانه می‌زنیم و ریشه می‌گستریم. (اسرافیلی، ۱۳۸۹ الف: ۹۴-۹۵)

کودکان مرد شده‌اند و تفنگ‌ها از صندوق‌ها بیرون آمده است / و شلیک‌ها برای آزادی ست / باور کن
بهار / بر تپه‌ها نشسته است / و تاکستان‌ها جوانه زده‌اند. (همان: ۱۲۸-۱۳۱)

۴. نتیجه‌گیری

موضوع اشغال فلسطین و مقاومت مردم مظلوم فلسطین در برابر رژیم غاصب و سفاک صهیونیستی، اصلی‌ترین موضوع در ادبیات فلسطین و مسلمانان است. شاعران در این زمینه نقش مهمی داشتند و

جزو اولین کسانی بودند که وارد میدان شدند و نسبت به تحولات اجتماعی و ظلم و ستمی که به مردم این سرزمین رفته است واکنش نشان داده‌اند. شاعران مسلمان مانند "اقبال لاهوری" و "حسین اسرافیلی"، با احساس تعهد نسبت به آرمان فلسطین که درد مشترک امت اسلامی است به ابعاد مختلف این موضوع در اشعار خود پرداخته‌اند. بررسی موضوع مقاومت فلسطین در شعر "اقبال لاهوری" و "حسین اسرافیلی" نشان‌دهنده آن است که این دو شاعر فلسطین را به‌عنوان یک کشور اسلامی و نماد اسلام معرفی کرده‌اند که در چنگال رژیم غاصب صهیونیستی اسیر شده است. این دو شاعر متعهد در اشعار خود با محوریت مقاومت فلسطین به مضامینی همچون وحدت امت و تصور وطن اسلامی، پیوند مقاومت با مفاهیم دینی و تاریخی، توصیف اشغالگری و جنایت‌های دشمن، ایثار و شهادت و امید به آزادی و پیروزی فلسطین پرداخته‌اند.

منابع

قرآن کریم.

احمدپور، محمدتقی (۱۳۸۳)، ستاره شرق، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
اسرافیلی، حسین (۱۳۸۹ الف)، رد پای صدا (گزیده اشعار)، چ ۴، تهران: تکا (وابسته به موسسه
نمایشگاه های فرهنگی ایران).

_____ (۱۳۸۹ ب)، صخره و پلنگ، تهران: انجمن قلم ایران.

_____ (۱۳۸۷)، «شعر»، مجله شاهد یاران، ش ۳۹، بنیاد شهید و امور ایثارگران: تهران، ص ۱۱۸.
اقبال لاهوری، محمد (۱۳۶۶)، اشعار فارسی اقبال لاهوری، با مقدمه و حواشی محمود علمی، تهران:
سازمان انتشارات جاویدان.

_____ (۱۹۷۱ م)، پیام مشرق، لاهور: انتشارات شیخ غلام علی و پسران.

_____ (۱۳۷۰)، کلیات اقبال لاهوری، چ ۵، تهران: انتشارات نگاه.

اقبال، جاوید (۱۳۷۲)، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، با ترجمه شهیندخت کامران مقدم، مشهد: به نشر.

_____ (۲۰۰۰ م)، زنده رود (به زبان اردو)، لاهور: اقبال اکادمی پاکستان.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی)،
مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir>.

تندرو صالح، شاهرخ (۱۳۷۲)، نسترن های سوخته، تهران: انتشارات برگ.

خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

روزبهرانی، محبوبه (۱۳۸۹)، قسم به نخل قسم به زیتون، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع
مقدس.

سنگری، محمد رضا (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: نشر پالیزان.

کارآمد، راضیه و شمس آبادی، حسین (۱۳۹۶)، «تطبیق و تحلیل مفهوم شهید و شهادت در برخی از
سروده های سلمان هراتی و شفیق حبیب»، مطالعات بیداری اسلامی، سال ۶، ش ۱۲، صص ۱۱۵-۱۳۲.
مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.